

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عنوان:

تفاوت اخلاق توحیدی با اخلاق غیرتوحیدی-۲

تاریخ سخنرانی: ۱۳۹۰/۱۲/۰۴

کد سخنرانی: ۰۷-۱۳۹۰۱۲۰۴

پایگاه ندای پاک فطرت

www.nedayepakefetrat.ir



@nedayepakefetrat

فهرست

۳	تفاوت اخلاق فطری با اخلاق غیر فطری
۴	تفاوت معرفت توحیدی فطری با عرفانهای کاذب
۴	عرفانهای کاذب بر اساس تقویت قوه وهم و خیال است
۴	طرح یک شبهه
۴	جواب اول
۵	جواب دوم
۶	چند نمونه از آیات و روایات برای تطبیق جواب دوم
۷	اصل مبارزه با عرفانهای کاذب، آگاهی از اصول عرفان حقیقی است
۸	انتظار فرج یعنی تزکیه
۸	نمونه‌های از آیات ناظر به تزکیه نفس
۹	دستورالعمل مقدماتی برای شروع تزکیه نفس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ لَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ

نَسْتَعِيدُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ. اللَّهُمَّ وَفَّقْنَا لِمَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى

اللَّهُمَّ الْعَنْ أَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ آخِرَ تَابِعٍ لَهُ عَلَى ذَلِكَ، اللَّهُمَّ الْعَنْ الْعِصَابَةَ الَّتِي جَاهَدَتْ الْحُسَيْنَ، وَ شَايَعَتْ وَ بَايَعَتْ وَ تَابَعَتْ عَلَى قَتْلِهِ، اللَّهُمَّ الْعَنْهُمْ جَمِيعاً

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مَا لَكَ يَوْمَ الدِّينِ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضَّالِّينَ.

تفاوت اخلاق فطری با اخلاق غیر فطری

خلاصه بحث جلسه این شد که اخلاق بر اساس توحید فطری روح خاص خودش را دارد که تمام صفات زیبای انسان از آن می‌روید؛ مانند این که عطر گل از درون روح او می‌روید، مزه میوه از درون روح او می‌روید، زیبایی درخت، هیکل درخت همه و همه از درون او می‌روید، نه مثل درختی که از بیرون [به طور] مصنوعی به هم بیچید و درست بکنید؛ اخلاق در چنین روشی یک اخلاق با روح است؛ نمی‌تواند غیر آن باشد «وَمَا لِي لَا أُعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي وَ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ»^۱. قرآن می‌فرماید این مرد چون به فطرت خود رسیده بود با همه وجود احساس می‌کرد باید تسلیم او شوم، نمی‌شود اصلاً تسلیم نشوم. در این مبنا عرض شده که پس کسی که ایثارگری می‌کند، سخاوت دارد، شجاعت دارد، علم دارد، خوش‌رویی می‌کند، حلم دارد و تمام صفاتی زیبایی که حتی نامشان را ما نمی‌دانیم، از طبع او تراوش می‌کند مصنوعی نیست. اما در اخلاق غیر این راه فطرت توحیدی، هر چقدر انسان مثلاً با سخاوت باشد، اگر عمیقاً به درون ضمیر خود فرو برود، خواهد دید که نه این طور نیست، یک عامل خودنمایی و جاه‌طلبی او را به این سخاوت واداشته است؛ اگر کسی نوع‌دوستی می‌کند اگر خوب در عمق سر ضمیر خودش کنکاش کند خواهد دید که یک رذیله جاه‌طلبی او را به این صفت واداشته و به طور کلی بر اساس آیات و روایات و تجربه تاریخ این نتیجه قطعی است که اگر کسی بر اساس توحید فطری تربیت شود، اخلاق او یک اخلاق روح‌دار و با صفات ذاتی است و در غیر این صورت در عمقی از جان او یک منی از منیت او پنهان شده است. این چکیده بحث جلسه قبل بود.

۱- من چرا کسی را پرستش نکنم که مرا آفریده، و همگی به سوی او بازگشت داده می‌شوید؟! سوره یس، آیه ۲۲.

تفاوت معرفت توحیدی فطری با عرفان‌های کاذب

در اخلاق معرفت توحیدی، چه فرق‌های ذاتی بین عرفان‌های کاذب که ادعای عرفان می‌کنند با این عرفان تربیت توحیدی وجود دارد؟ (این مباحث را در یکی از جلسات مفصلاً توضیح عرض کردیم که عزیزان می‌توانند به سیدی‌اش مراجعه فرمایند). یکی از بحث‌های لازم و مهمی است که امروز [باید] این حقایق بیشتر باز شود. یکی از آن فرق‌ها را به تناسب ضیق وقت اشاره بکنیم:

عرفان‌های کاذب بر اساس تقویت قوه وهم و خیال است

[یک فرق] این است که در عرفان‌های کاذب سعی می‌کنند با روش‌های خاصی اراده انسان را تقویت کنند و قوه خیال و قوه وهم انسان را تقویت کنند و از تقویت بعضی از ابعاد انسان یک آثار عجیب و شگفت‌انگیزی را [انسان] متوجه می‌شود و به آن می‌رسد که بسیار جذاب و فریبنده است. حتی تحت عنوان خدا یا دین؛ اما در عرفان توحیدی فطری این طور نیست. [در اینجا] انسان را بر اساس آیات و سیره و سنت معصومین علیهم‌السلام تربیت می‌کنند که این قابل مقایسه با آن [عرفان کاذب] نیست. این بحث‌های طولانی است که جای خودش ان شاء الله باید مطرح شود.

طرح یک شبهه

سؤال این است که ما در دین‌مان فقهای عظام رساله عملیه دارند و این رساله عملیه کفایت می‌کند، دیگر این چی هست که در کنار آن یک دستورالعمل‌هایی به نام معرفت و امثال اینها [وجود دارد]؟ این شبهه جا دارد عمیقاً بحث شود و ابعاد مختلفی دارد. حالا ما به گوشه‌ای از آن اشاره می‌کنیم ان شاء الله.

جواب اول

انسان یک سری اعمال جوارحی دارد که مربوط به ظاهر زندگی اوست و یک سری زندگی باطنی دارد. فقهای عظام ما رساله عملیه‌شان عمدتاً مربوط به احکام ظاهری زندگی انسان است که اگر کسی به آنها عمل کند، مطابق مرجع تقلید خود اهل بهشت می‌شود و مسلماً از آتش جهنم نجات پیدا می‌کند و خود فقهای عظام در همان رساله بدون استثناء اجماعاً همه فرموده‌اند که ما [مسائل] مربوط به این اعمال را در این رساله می‌دهیم و تقلید جایز است. آنچه که مربوط به عقاید و حقایق بینشی انسان هست او باید خودش در این راه حرکت کند و به آن حقایق برسد. تقلید در عقائد جایز نیست و در این راستا رساله‌هایی از بزرگان فقها داریم که علاوه بر آن رساله‌های عملیه [هستند]، مثلاً رساله منسوب به سید بحر العلوم رضوان‌الله‌علیه که یکی از فقهای بزرگ و مهم شیعه بوده و در آن رساله دستورات مربوط به اعمال باطنی

را فرموده، یا کتاب المراقبات آیت الله میرزا جواد آقا ملکی تبریزی یا معراج السعاده مرحوم نراقی رضوان الله علیه که یک فقیه بزرگ و عالی قدری بود و بر اساس قوه استنباطات خود، رساله مربوط به این حقایق باطنی و دستور العمل هایش را فرموده است. رساله حضرت آیت الله سعادت پرور رضوان الله علیه که اخیراً تکثیر شده و درباره همان مسائل تربیت نفس است.

جواب دوم

آنچه که قابل دقت هست و گفته شد که این شبهه باید به ابعاد گوناگونش بحث شود یکی هم [توجه] از دیدگاه روند تکاملی مسیر اقتضائات دینی ماست که به تناسب زمان طلوع می کند که یکی از ویژگی های منحصر به فرد دین ما است و تا روز قیامت قابلیت دارد که هر چه زمان پیش می رود دین پاسخگوی این حقایق باطنی است؛ [و این] بحث مهمی در روند حرکت طلوع اقتضائات دینی ما در تاریخ از اول غیبت کبری تا به امروز است. شما اگر یک مطالعه اجمالی داشته باشید می بینید زندگی مردم در اوایل غیبت کبری به لحاظ محدودیت های طبیعی و زمانی خودش طوری نبود که احتیاج به یک علوم خاصی داشته باشد و همان احادیث و آیات [کافی بود]. فقهای عظام زندگی مردم را بر اساس آیات و روایات مدیریت می کردند، اما همین که زمان پیش می رود و حوادث جدیدی پیش می آید که در زمان اهل بیت علیهم السلام نبوده، فقهای عظام از همان دین، از همان آیات، از همان روایات، قواعد این اصول را کشف می کنند. اختراع نمی کنند [بلکه] کشف می کنند. اما به لحاظ عادت مردم آن زمان یک مخالفت هایی پیش می آید و فقهای تیزفهم آن زمان با این مخالفت ها روبرو می شوند. زندگی مرحوم آقا وحید بهبهانی رضوان الله علیه اگر خوب بررسی شود خواهیم دید که چه انقلاب عظیمی در روند فقهی شیعه ایجاد کرده و چه سختی هایی را تحمل کرده است تا بالاخره اثبات می کند زمان امروز به پاسخگویی دین به حوادث جدیدی که پیش می آید نیاز جدی دارد که قواعد علم اصول بر اساس همین آیات و روایات تدوین شود و چه تحول جدیدی علما و فقهای اصولی ما در پاسخگویی به جامعه [ایجاد می کنند] و نمی گذارند یک عده دین ما را تبدیل به دین مسیحیت و یهودیت بسته ای بکنند که باز این جریان مفصل [در] تاریخ [آمده است]؛ یا مثلاً وقتی در روند علم اصول می بینیم [در طول] زمان اقتضائات بالاتری پیش می آید که جامعه نیاز دارد و اقتضاء می کند که به یک محوریت مرکزی تبدیل شود، مرجعیت این را اثبات می کند که باید از اعلم تقلید کرد. باز این انقلاب یک اثر عجیبی در اثبات این که تقلید از اعلم واجب است [می گذارد]. [این] اختراع شیخ انصاری نبوده، [بلکه] این عظمت و اعجاز دین ماست که هر چه زمان پیش می رود و هر چه عقل ها کامل تر می شود و جامعه رشد می کند، حقایق باطنی دین ما بیشتر طلوع می کند. اگر یک غیر فقیه همچنین کاری بکند، می گویم بدعت در دین گذاشته، اما وقتی جمعی از فقهای جامع الشرایط مطلبی را با ادله خیلی روشن اثبات می کنند، این مبنای دینی

پیدا می‌کند. مسئله حکومت در دین که امام رضوان‌الله‌علیه به اقتضاء زمان که پیش می‌رود، اثبات می‌کند که بایستی فقیه، حکومت مرکزی را تشکیل بدهد، اگر شرایط فراهم باشد.

بنابراین مسئله معرفت نفس یک چیز اختراعی نیست [بلکه] یک حقیقتی است که هر چه زمان پیش می‌رود و هر چه مکتب‌ها به بن‌بست می‌رسند و هر چه روانشناس‌های کاذب و بی‌سوادی که یک مشت نظریات و فرضیات بی‌پایه تجربی را مبنا قرار می‌دهند و با روح و روان و شخصیت حقیقت انسانی بازی می‌کنند و جدای از دین این [مسائل] را پاسخ می‌دهد، [معرفت نفس] بر اساس حقیقت انسانی جواب می‌دهد. ما نیاز داریم یک [علم] روانشناسی که بر اساس دین هست تدوین کنیم، نه [علم] روانشناسی که مغزهای الکلی که خودشان احتیاج به دارو و درمان دارند برای جوان‌های ما تجویز کنند و با دستور عمل‌های گناه و تجویز گناه خیال کنند که این جوان قابل طبابت است. علی‌ای حال این‌ها بحث‌هایی [هستند] که در جای خودش [باید] بررسی بشوند.

امروز جامعه ما به شدت نیاز دارد که روح و حقیقت خود را بیابد و بر اساس شناخت حقیقت خود با حقیقت عالم آشنا شود و زندگی را بر اساس حقایق و واقعیت‌ها تنظیم کند؛ خودش را فریب ندهد، [این] یک نیاز جدی است که به برکت انقلاب یک بینشی باز شده و در سطح جهان مخصوصاً در طبقه تحصیلکرده این نیاز خواه ناخواه دارد عمق پیدا می‌کند و پاسخگوی این، کتاب و سنت است، [پاسخگوی این] فقهای عظامی هستند که بر اساس آیات و روایات، استنباط فقهی می‌کنند و بر مبنای وحی الهی دستورالعمل تربیتی می‌دهند و این باز مبنای قرآنی دارد که بنده از آیات و روایات اشاره جزئی به عنوان نمونه عرض می‌کنم.

چند نمونه از آیات و روایات برای تطبیق جواب دوم

در قرآن می‌فرمایند: «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا»^۱ خداوند به کسی تکلیف نکرد مگر به اندازه وسعت او، این وسعت یک میدانی باز می‌کند. کدام علم هست و کدام متخصص دینی هست که بیاید مراتب این وسعت را مشخص بکند؟ کدام متخصص دینی هست که بیاید افراد را به تناسب وسعت وجودی و استعداد و روحی شان حکم مربوط به وظایف زندگی آنها را بر اساس دین تنظیم بکند؟

۱- خداوند هیچ کس را، جز به اندازه توانایش، تکلیف نمی‌کند. سوره بقره، آیه ۲۸۶.

یا مثلاً روایت امام صادق علیه السلام در اصول کافی از این قبیل روایت‌ها فراوان هستند، حال من یک نمونه اشاره می‌کنم، می‌فرماید: «لَا تُكْرَهُوا إِلَى أَنْفُسِكُمُ الْعِبَادَةَ»^۱. عبادت را به نفستان تحمیل نکنید. این یک دستور کلی است که الآن یک تخصصی می‌خواهد که [بگوید] میزان کراهت چیست و تناسب افراد چیست و در عبادت کجا کراهت است. یک برنامه خاص تربیت تخصصی می‌خواهد که این تناسب را باز کند.

قرآن که در سوره رعد می‌فرماید: «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ...»^۲. دقت می‌کنید که در اول آیه می‌فرماید که جهاد کنید حق جهاد را، ما را به آن قله قله دعوت می‌کند؛ از این طرف آیه بلافاصله می‌فرماید که خداوند در دین برایتان سختگیری نکرده است. این یک مطلبی است که میدان باز می‌کند. میدان در فضای جامعه، میدان در افراد جامعه، میدان در خود وجود هر انسان که آن قله با این عبادت یک برنامه تخصصی تنظیمی خاصی را می‌خواهد که هر کس را در جایگاه وسعت خودش تربیت کند که بزرگان ما بر اساس آیات و روایات، اصول و فروعی را برای تربیت نفس تنظیم کرده‌اند، برای هر مرحله از اینها علائمی را تنظیم کرده‌اند؛ اینها را اختراع نکردند [بلکه] بر اساس آیات و روایات اکتشاف کردند. فقها این کار را کردند [نه اینکه] یک آدم بی سروپای سر کوچه‌ای بیاید و یک چیزی را بگوید.

اصل مبارزه با عرفان‌های کاذب، آگاهی از اصول عرفان حقیقی است

اگر کسی این علوم و این آگاهی‌ها را پیدا بکند، کلید دستش است. هزاران مدل عرفان کاذب تولید بکنند و در جامعه بریزند، در همان نگاه اول آنها را می‌شناسد و فریب نمی‌خورد. اما اگر این‌ها را خوب نشناسد اگر صد تا عرفان کاذب را بشناسد و برای هر کدام ده ساعت جلسه هم بگذارد، صدویکم برایش تازگی دارد. احتمال انحراف برایش هست. پس اصل مبارزه با عرفان‌های کاذب، آگاهی و رشد و توجه و تربیت همان اصول عرفان حقیقی است که توسط علماء و فقهای دین و متخصصین در رساله‌های مفصل خودشان تنظیم شده و با برنامه‌های خاص خودشان [ذکر شده است] و انسان را طوری بینش می‌دهد که بتواند با اصل ابلیس و با ترفندهای او آشنا شود. وقتی حقیقت خودش را کشف می‌کند، [این آگاهی] برایش شیطان‌شناسی می‌کند و تمام اموری که رنگ شیطانی دارد به طریق اولی می‌تواند متوجه باشد و فرمول را به دستش می‌دهد.

۱- عبادت را بر خود بدخواه نکنید (یعنی تا شوق و رغبت دارید به عبادت پردازید و چون کسل شوید، دست از آن بدارید که رانده و مانده از آن نگردد). الکافی، ج ۲، ص ۸۶.

۲- و در راه خدا جهاد کنید، و حق جهادش را ادا نمایید! او شما را برگزید، و در دین (اسلام) کار سنگین و سختی بر شما قرار ندارد. سوره حج، آیه

انتظار فرج یعنی تزکیه

بنابراین در روایت هم داریم که انتظار فرج با تزکیه نفس انسان‌ها در واقع تحقق پیدا می‌کند. علامت انتظار فرج یعنی تزکیه. باز عرض کنیم نه اخلاق خشک. هی تکراراً عرض می‌کنیم که خلط نشود. تزکیه [بر اساس] معرفت نفس است که بعد آن تمام ابعاد زندگی انسان، سیاسی و اجتماعی و فردی و خانوادگی و اقتصادی و نظامی و تمام ابعاد او را در بر می‌گیرد. یک نمونه از تزکیه نفس بر اساس معرفت نفس عرض کنم.

نمونه‌ای از آیات ناظر به تزکیه نفس

مثلاً فرض بفرمایید در برنامه‌های تربیت نفس فقهای عظیم‌الشأن ما دستور مراقبه و محاسبه‌ای که صادر می‌کنند به عنوان یک اصل که آیات و روایاتی را استناد می‌کنند. یکی از آن‌ها آیه ۱۸ سوره حشر است که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ لْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ»^۱. این «اتَّقُوا اللَّهَ» را چرا تکرار فرموده؟ اول که فرموده بود «اتَّقُوا اللَّهَ»؛ یا [نکته بعدی که قابل توجه است] این که خطاب به مؤمنین است که یکی از شرایط ایمان، تقوای به اوست. ایمان با تقوا چه نسبتی دارد؟ یا [اینکه] این توجه نفس به خودش، چه قاعده مهمی را می‌خواهد بیان کند؟ «اتَّقُوا»ی بعدی که دوباره فرمود، این چه قاعده مهمی را می‌خواهد در این راستا بیان کند؟ این‌ها یک مستنداتی است که فقهای ما همین جور دیمی مطالب را نمی‌فرمایند؛ این‌ها یک راهی است که باز شده و در جلسه قبل عرض کردم درباره امام رضوان‌الله‌علیه؛ تمام عظمت این انقلاب یک طرف ولی عظمتی که راه معرفت را با جرأت باز کردند که در جامعه گذشته و در تاریخ گذشته اقتضاء نمی‌کرد که این حقایق به این صورت واضح باز شود؛ این [راه] را باز کردند و توصیه کردند و نمونه‌هایی را در جامعه خودشان در افراد عملاً تحقق بخشیدند و حجت را تمام کردند. شهدای ما، علمای شهید ما که وصیت‌نامه‌هایشان و مطالبشان عرفان تربیتی و معرفت نفس را فریاد می‌زند، اینها یک کاروانی بودند که [این مطلب را] تحقق بخشیدند. مثل بعضی مکتب‌ها یک چیز نظری و تئوری نبوده که بالاخره شکست بخورد. نمونه‌هایش را پیاده کرد و تثبیت کرد و امروز هیچ احدی نمی‌تواند بگوید آقا این کار سخت است، این کار نشدنی است، این کار مربوطه به زمان جاهلیت است و آن زمان اقتضائش این بود، [بلکه] همه را در عمل جواب دادند.

۱- ای کسانی که ایمان آورده‌اید از (مخالفت) خدا پرهیزید و هر کس باید بنگرد تا برای فردایش چه چیز از پیش فرستاده و از خدا پرهیزید که خداوند از آنچه انجام می‌دهید آگاه است! سوره حشر، آیه ۱۸.

در بررسی اخلاقیات و برنامه‌های تربیتی نفس و به طور کلی هر بعدی از ابعاد تربیتی امروز جا دارد که این تربیت بر اساس توحید فطری عمیق‌تر باز شود و راهی است که در عین سختی، قابل عمل و آسان به تناسب هر شخص است که بزرگان ما این راه را باز کردند و ما شکر می‌کنیم به خدای مهربان و رحیم و رحمان که این توفیق را داد و دست ما را به ولایت سپرد و نور ولایت را چراغ راه ما قرار داد که ما در این پیچ و خم‌های عالم طبیعت و تاریکی‌های این دنیا و وحشت‌های نفسانی بتوانیم این زندگی چند لحظه‌ای عمرمان را اگر خدا بخواهد به لطف او سالم طی بکنیم.

دستورالعمل مقدماتی برای شروع تزکیه نفس

این جزوه [فطرت] که بحث شده [عزیزان مراجعه بفرمایند] کتاب شرح حدیث عنوان بصری که حضرت آیت‌الله تحریری که خیلی تخصصی این را توضیح داده که دستورالعمل‌هایی است که امام صادق علی‌السلام به عنوان بصری فرموده و این‌ها را اگر افراد خوب مطالعه کرده باشند، بعد سی‌دی است که البته صورت مقدماتی است تا انسان برایش آمادگی پیدا شود که آن دستورات اصلی را از بزرگان دریافت نماید. در این سی‌دی چند تا دستورالعمل مقدماتی و خیلی ابتدایی است که ان شاء الله رحمان عزیزانی که علاقمند شدند آنها را گوش کنند و عمل کنند، اگر نتیجه و چیزی از عمل‌های شان متوجه شدند ان شاء الله رحمان در خدمت شان باشیم تا اگر بهتر پیشرفت کنند از بزرگان و اساتید که در فقه مثل خورشید الحمد لله به دنیا می‌تابند استفاده بفرمایند.

پایگاه ندای پاک فطرت

www.nedayepakefetrat.ir

  @nedayepakefetrat